

در همبستگی با اعتصاب گسترده کارگران پیمانی صنعت نفت و پشتیبانی از خواست‌های آنان!

جمعه، ۲ ژوئیه ۲۰۲۱ - ۱۷:۴۱

هیئت سیاسی -
اجرائی حزب چپ
ایران (فدائیان خلق)



در همبستگی
با اعتصاب
گسترده
کارگران
پیمانی صنعت
نفت
و پشتیبانی
از
خواست‌های

آنان!

اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌ای در صنعت نفت مهم‌ترین و گسترده‌ترین اعتصاب کارگری طی ۴۳ سال بعد از انقلاب ۵۷ است. این اعتصاب که با فراخوان شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از ۲۹ خرداد آغاز گردید، کارگران ده‌ها شرکت پیمانکاری فعال در صنعت نفت و پتروشیمی را در برگرفته است. علاوه بر آن تعدادی از کارگران نیروگاه‌های برق و کارگران چند کارخانه صنعتی نیز تاکنون به این اعتصاب پیوسته‌اند.

مطالبات مهم اعلام شده کارگران اعتصابی در مقطع کنونی، افزایش پایه حداقل دستمزد به ۱۲ میلیون تومان و پرداخت منظم و به موقع آن، اجرای درست طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مرخصی نوبت کاری، تامین ایمنی و بهداشت محل‌های کار و استراحت گاه‌ها، لغو کار پیمانی و قانون ویژه مربوط به کار در مناطق آزاد است.

مطالبات درخواستی کارگران اعتصابی در واقع بخشی از مطالبات عمومی کل جنبش کارگری است که در صدها اعتصاب کارگری پیشین درخواست شده‌است و کارگران بسیاری به خاطر آن‌ها به انواع مجازات‌ها از اخراج تا زندان و شلاق محکوم شده‌اند.

اعتصاب کارگران پیمانی افزون بر این که مهم‌ترین رویداد کارگری بعد از انقلاب است، مهم‌ترین رویداد سیاسی- اجتماعی بعد از انتصابات ریاست جمهوری و برگماردن ابراهیم رئیسی مهره اصلح خامنه‌ای به این سمت و بیان بی‌اعتمادی کارگران نسبت به این انتصاب و وعده‌های معیشتی و "عدالتخواهانه" این مهره جنایتکار و سرسپرده خامنه‌ای و محافظه‌کاران افراطی و حامیان وی در اتاق بازرگانی است.

اعتصاب امید آفرین و نوید بخش کارگران پیمانی نه تنها با استقبال و حمایت وسیع کارگران و تشکلهای کارگری از معلمان تا بازنشستگان فرار گرفته بلکه تشکلهای دانشجویی، نهادهای مدنی و احزاب و سازمان‌های دموکراتیک بسیاری نیز تا کنون از آن حمایت کرده‌اند. حمایتی که اتحادیه‌های کارگری کشور های مختلف از اعتصاب کرده‌اند، از نظر وسعت کم نظیر است. موج گسترده حمایت‌ها در داخل و خارج از این اعتصاب در شرایطی جریان دارد که رسانه‌های داخلی حکومت به ندرت خبری از این اعتصاب و مطالبات کارگران منتشر می‌کنند و بعضا نیز مسائل مربوط به آن را تحریف می‌کنند. هدف آنها از بایکوت خبری اعتصاب جلوگیری از بازخورد اجتماعی اعتصاب در جامعه مملو از اعتراض و نارضایتی و وصل شدن اعتراضات کارگری با دیگر اعتراضات مردمی است. با این همه اما وجود رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های فارسی زبان متعدد تا حدود زیادی این بایکوت رسانه‌ای را کم اثر کرده‌اند.

اعتصاب کارگران در صنعت نفت که هم‌چنان منبع اصلی تامین درآمد کشور است تا حدود زیادی برای مسئولین غافلگیرانه بوده است و آنها را دچار سراسیمگی کرده است. آنها از ابعاد گسترده خشم و نارضایتی انباشته شده در میان کارگران پیمانی بواسطه فشار، تبعیض و بی حقوقی و شرایط کاری نا امن و غیر بهداشتی که خود و کارفرمایان به آنها تحمیل کرده‌اند، اطلاع داشتند اما فکر نمی‌کردند که با چنین اعتصاب گسترده و سازمان یافته‌ای مواجه شوند. زیرا با از میان برداشتن قوانین کار و برقراری بی قانونی و استفاده از قراردادهای موقت و سپردن حق اخراج به کارفرما و اعمال تفرقه و تبعیض و ایجاد محیط پلیسی و جلوگیری از تشکیل اتحادیه و سندیکا، تصور می‌کردند که امکان اعتصاب سراسری در صنعت نفت این شاه‌رگ حیاتی رژیم را از کارگران گرفته‌اند.

وقوع این اعتصاب درست در مقطع حساس انتصابات و دادن وعده‌های معیشتی ظاهرا عدالتخواهانه به کارگران و در هیاهوی تبلیغاتی فریبکارانه‌ای که زیر عنوان عدالت‌خواهی دارودسته‌ی محافظه‌کاران حامی رئیسی به راه انداخته بودند، در واقع تصورات آنها را باطل کرد و پیشروترین بخش طبقه کارگر صنعتی نشان داد آگاه تر و با تجربه‌تر از آن است که فریب مانورهای فریبکارانه قدرتمندان حاکم را بخورد.

تداوم و طولانی شدن این اعتصاب خسارت و پیامدهایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیاری برای حکومت دارد. به همین خاطر آنها مجبورند به سرعت برای پایان دادن به اعتصاب چاره‌ای ببینند. کوشش آنها این است که مقدماتا با تهدید کارگران به اخراج و زندان و دادن وعده‌های کاذب و ایجاد شکاف میان کارگران راحت تر اعتصاب را حتی المقدور بی نتیجه بگذارند و آن را درهم بشکنند. روحانی، زنگنه و کمیسیون انرژی مجلس در راستای همین هدف با در پیش گرفتن یک روبه دوگانه با دادن وعده افزایش دستمزد و اصلاح لایحه بودجه به‌عنوان مانع افزایش دستمزد به کارگران رسمی نفت، و رد درخواست‌های کارگران پیمانی و غیر رسمی تلاش دارند میان کارگران رسمی و غیر رسمی شکاف ایجاد کنند تا بتوانند راحت تر دست به سرکوب اعتصاب بزنند.

اظهارات بی شرمانه زنگنه پس از تشکیل کمیسیون انرژی مجلس که به دروغ خواسته‌های کارگران پیمانی را فراقانونی خواند، و سخنان پر تناقض و فریبکارانه روحانی در جلسه نهم تیر ماه دولت که در آن کارگران پیمانی را از کارگران رسمی جدا و خواسته‌های آنها و رسیدگی به مطالبات کارگران پیمانی را به صاحبان شرکت‌های پیمانکاری و وزارت کار حواله داد، همگی موید توطئه مشترک نتولیرال های دولتی و محافظه کاران مسلط بر مجلس برای سرکوب اعتصاب کارگران حق طلب

پیمانی و پروژه‌های است. متناسفانه وجود انواع قراردادهای شغلی و برون‌سپاری کارهای صنعت نفت به شرکت‌های پیمانکار مختلف، وجود تبعیضات متعدد شغلی و مزدی، به مسئولین دولتی و مافیای مسلط بر صنعت نفت و پتروشیمی امکان می‌دهد با استفاده از این وسایل خیلی وقت‌ها به هدفشان برسند. اعمال تبعیضات قانونی میان گروه‌های شغلی یکی از شیوه‌های موثری است که دولت و کارفرمایان برای ایجاد تفرقه و همچنین سود افزایی از آن بهره می‌گیرند. تبعیض علاوه بر این‌که وسیله‌ای بسیار تحریک‌آمیز و مناقشه‌انگیز است، سود مضاعفی را نیز نصیب کارفرمایان می‌کند. هر گاه که حکومت می‌بیند حول یک خواسته مشترک حرکتی شکل می‌گیرد که احتمال موفقیت آن می‌رود دست به‌کار می‌شود و با دادن امتیاز به عده محدودی و محروم کردن عده‌ی بزرگ دیگری از آن جلوگیری کند.

واقعیت این است که خواسته‌های ۱۰۶ هزار کارگر پیمانی که رنگه آن‌ها را برای فریب افکار عمومی و توجیه اعمال سرکوبگرانه دولت فراقانونی می‌خواند. کاملاً قانونی و دقیقاً به‌خاطر پایمال سازی حقوق اولیه کارگران توسط کارفرمایان و حمایت دولت و مجلس و دستگاه سرکوب از کارفرمایان قانون شکنی است که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها از آفازاده‌ها و سرداران سپاه و بستگان مدیران دولتی هستند. با این همه این بار شرایط بگونه‌ای نیست که دولت و کارفرمایان بتوانند بکلی خواسته‌های کارگران را بی‌پاسخ بگذارند. تا همین الان هم اگر دولت ناچار به پذیرش افزایش ۲۵ درصد به دستمزد کارگران رسمی شده است، بخاطر اعتصاب کارگران پیمانی است.

این حرکت بزرگ با آن‌که جنبه مطالباتی و صنفی دارد، اما با توجه به وزن سنگین این صنعت در اقتصاد کشور و حد آگاهی در این بخش از کارگران ایران با هر نتیجه‌ای هم که پایان گیرد مهر و نشان خود را بر روند تحولات سیاسی در مبارزه با جمهوری اسلامی و در رسیدن به آزادی و عدالت خواهد کوبید. همانگونه که خیزش‌های مردمی دی ۹۶ و آبان ۹۸ تأثیرات بسیار بزرگ خود را در رابطه جامعه و حکومت باقی گذاشتند و بدانگونه که حرکت مدنی تحریم انتخابات حکومت را باز هم بیشتر منفرد کرد، این اعتصاب بزرگ هم اثر خود را چه از نظر تقویت اعتماد به نفس در مردم و چه دستاوردهای عملی اش بر جای خواهد گذاشت. پیروزی‌های مبارزات متنوع مردم در اشکال متنوع علیه سیاست‌ها و نظام جمهوری اسلامی گشاینده افق و راه برای آزادی و عدالت اجتماعی است.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بار دیگر به کارگران شرکت کننده در اعتصاب سراسری نفت درود می‌فرستد و حمایت و همبستگی با کارگران مبارز و حق طلب را مورد تأکید قرار می‌دهد و برای کارگران در پیکار عدالتخواهانه‌شان آرزوی پیروزی می‌کند. به نظر ما کارگران با حفظ همبستگی، تداوم و گسترش اعتصاب شان و کسب حمایت گروه‌های بیشتری از کارگران و دیگر مزدبگیران و گروه‌های عدالتخواه مردمی می‌توانند نقشه‌های سرکوبگرانه حکومت و کارفرمایان را بی اثر و آن‌ها را وادار به پذیرش خواسته‌های برحق‌شان نمایند.

پیروز باد اعتصاب شکوهمند کارگران پیمانی صنعت نفت!

هیئت سیاسی اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)